

آنچه باید بدانید

مجموعه شماره ۳

از دستگیری تا زندان

دستگیری، بازجویی، ترفندهای مختلف بازجویی و زندان،



جمع‌آوری و تهیه شده توسط سایت جوخه‌های رزمی

نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را با ما در میان بگذارید

jokhe.info@gmail.com

آنچه باید بدانید از دستگیری تا زندان جمع‌آوری و تهیه شده توسط سایت جوخه‌های رزمی مجموعه شماره ۳

هم اکنون که بخش وسیعی از مردم به مبارزه رو در رو با رژیم سرکوبگر و ضدانقلابی جمهوری اسلامی روی آورده‌اند، مزدوران امنیتی رژیم، با دستگیری‌های گسترده سعی دارند که چند روزی بر عمر این رژیم ضدانقلابی بیاورند.
در این نوشته سعی می‌کنیم به دستگیری، بازجویی، ترندهای مختلف بازجویی و زندان، اشاره کنیم. تا در صورت دستگیر شدن، تا آنجا که امکان داشته باشد، با این شیوه‌ها آشنائی داشته باشید.

دستگیری

دستگیری فعالین سیاسی، ممکن است در خانه، خیابان، محل کار و یا تحصیل و در هر ساعتی از شب و روز، در حین جنگ و گریز و تظاهرات، بصورت فردی یا جمعی باشد. آیا هنگام دستگیری باید با دشمن جنگید و یا بدون کمترین مقاومتی تسلیم شد؟ هر کس باید با توجه به جوانب کار و اهمیت فعالیت خود در این مورد تصمیم بگیرد. در نتیجه شیوه برخورد با آن نیز نمی‌تواند کلی و یکسان باشد.
نیروهای امنیتی در بیشتر موارد، برای دستگیری افراد در شب اقدام می‌کنند، تا بدین وسیله از اصل غافلگیری استفاده کرده، و همچنین مردم عادی از موضوع بی‌خبر بمانند.

بطور اختصار راه‌های مبارزه با دشمن را در چنین مواردی توضیح می‌دهیم.

۱- یک فعال سیاسی باید همیشه آمادگی داشته و احتمال دستگیری خود را داده و پیش‌بینی‌های لازم را قبلاً بعمل آورده باشد. وسائل و مدارکی را که به آنها نیازی ندارد، به خوبی جاسازی کرده باشد. از نگهداری ایمیل‌هایی که نیازی به آن ندارد، و یا فایل‌های نوشتاری و صوتی که مورد نیازش نیست، باید از حافظه کامپیوتر، پاک شده باشد. البته این نکته را نباید فراموش کرد، که حذف و یا پاک کردن آن از کامپیوتر به این معنی نیست که دیگر قابل دستیابی نباشد. حتماً هر از چند گاهی باید کامپیوتر را "فرمت" کرد.

۲- تحرک، سرعت عمل و ابتکار، از خطر غافلگیری می‌کاهد. همیشه باید راه‌های فرار مناسب از خانه را از پیش شناخت. و مرتب اطراف محل مسکونی را بدقت بررسی کرد. کسانی که شناخته شده و یا مورد تعقیب نیروهای امنیتی هستند، نباید به مدت طولانی در یک محل اقامت داشته باشند.

۳- درب خانه را هرگز برای ناآشنایان باز نکنید. همانطور که در بالا گفتیم مامورین امنیتی بیشتر شب، برای دستگیری مراجعه می‌کنند، در این موارد بهتر است چنانچه شخص دیگری (مثلاً پدر، مادر، همسر و یا فرزند) در خانه است پشت درب رفته با سوال و جواب مامورین را معطل کند، و شما از فرصت استفاده کرده مدارک احتمالی را از بین ببرید، و یا در صورتی که تصمیم به فرار دارید، بتوانید از محل دور شوید. همزمان مامورین نیز سعی خواهند داشت با زور وارد خانه شوند، که این موضوع باعث سر و صدا شده در نتیجه همسایگان نیز در جریان قرار خواهند گرفت. و در صورتی که تمام افراد خانواده، دستگیر شوند، خبر توسط همسایه‌ها پخش خواهد شد.

۴- چنانچه با دیگر فعالین در یک جا گرد هم آمده‌اید، طبیعتاً باید احتیاط بیشتری داشته باشید. در این زمینه می‌توانید از مناسبت‌های فامیلی، درسی و یا شغلی استفاده کنید. هیچگونه مدرکی که به عنوان اثر "جرم" قابل استفاده باشد، به همراه نداشته باشید. هنگام ورود و خروج به محل، تا آنجا که ممکن است اصول مخفی‌کاری را رعایت کنید.

۵- چنانچه طی روز و یا در خیابان دستگیر شدید، در ابتدا، تمامی مدارک، کارت شناسائی و حکم قضائی را از آنها درخواست کنید. و حتماً با مامورین درگیر شده و سعی بکنید سر و صدا ایجاد کرده تا مردم رهگذر در جریان قرار بگیرند، در عمل دیده شده است که با ازدحام جمعیت، امکان فرار شما ایجاد می‌شود.

۶- پس از دستگیری، سریعاً در فکر حمله مجدد و فرار باشید. از محل دستگیری تا مکان بازداشت، ممکن است شرایطی از جمله ازدحام، ترافیک و تصادف بوجود آید، که از آن موقعیت شاید بتوانید استفاده کنید. زیرا مامورین در این شرایط ابتکار عمل را از دست خواهند داد.

۷- چنانچه در اجرای نقشه فرار موفق نشوید، باید سریع و واقع‌بینانه با اقدامات احتیاطی دیگر، وارد عمل شوید. در صورتی که اطلاعاتی مهمی در رابطه با فعالیت سیاسی دارید، برای مثال می‌توانید از داروهائی که برای دفع حمله "صرع" بکار می‌رود، استفاده کنید، (مثلاً فنوباربتال). کارکرد این دارو بدین گونه است، که تقریباً تا بیست و چهار ساعت، خواب آلودگی شدیدی به همراه دارد. و بدین ترتیب امکان بازجویی و شکنجه را از مامورین امنیتی خواهد گرفت. و به یاران شما این فرصت داده می‌شود، که پاکسازی کرده از خطر بگریزند.

یا بر عکس می‌توانید از داروهای انرژی‌زا (مثلاً آمفی‌تامین) استفاده کنید. عمل‌کرد این دارو بدین گونه است که برای مدتی انرژی بیشتری به شما می‌دهد، احساس را به خواب، گرسنگی و تشنگی کاهش می‌دهد. در نتیجه بازجویان از ترند بی‌خوابی برای شکنجه شما، نمی‌توانند استفاده کنند.

۸- پس از دستگیری، خونسرد، آرام و هوشیار باشید. از آنجا که ممکن است این اولین باری باشد که رو در رو با دشمن قرار گرفته‌اید، از همان ابتدا جسارت و ایمان انقلابی خود را نشان دهید. این مرحله‌ی دیگری از مبارزه شما می‌باشد. از سخن گفتن بیهوده، اجتناب کرده، سعی کنید چهره افراد، اسامی و صحبت‌هایی که رد و بدل می‌شود را به خاطر بسپارید. چنانچه از نام‌های مستعار استفاده کرده‌اید، با شنیدن آن، واکنش نشان ندهید. (در این رابطه در جزوه شماره یک بیشتر توضیح داده‌ایم)

۹- در نخستین ساعات دستگیری از آشامیدن نوشابه‌های گازدار و یا چای و همچنین غذاهای پرنمک، خودداری کنید. زیرا تمعداً به شما داده می‌شود، تا بعداً برای رفتن به دستشویی، شما را در فشار قرار دهند.

جدا از آنچه در بالا شرح دادیم، ممکن است با استفاده از احضاریه، یک فرد سیاسی (عموماً افرادی که بصورت علنی مبارزه می‌کنند) را به مراجع قضائی یا امنیتی فرا خوانده و او را بازداشت کنند. در این زمینه نیز باید توجه کرد که به احضار تلفنی بهائی داده نشود. طبق قوانین رژیم جمهوری اسلامی، احضار تلفنی فقط از طریق تماس با وکیل "قانونی" به حساب می‌آید. و در صورتی که احضار کتبی را دریافت داشتید، فقط به مراجع قضائی مراجعه کنید.

بازرسی بدنی

پس از دستگیری، اولین اقدام مامورین بازرسی بدنی می‌باشد. این عمل در دو مرحله انجام می‌شود.

۱- جستجوی سریع، که بلافاصله در همان محل دستگیری انجام می‌شود. که منظور آن بدست آوردن مدارک و سلاح‌های سرد و گرمی است که ممکن شخص با خود داشته باشد. و گشتن دهان برای جلوگیری از استفاده کیسول "سیانور". البته اگر دستگیری در خانه یا محل کار باشد، جستجوی محل نیز شامل آن می‌شود، که بعضا ممکن است تا چند روز به طول بیانجامد.

۲- جستجوی وسیع، که پس از رسیدن به بازداشت‌گاه و یا زندان بعمل می‌آید. که دارای دو هدف است، اولاً، بدست آوردن سرخ و یا مدارکی که فرد ممکن است در خود پنهان کرده باشد. دوماً، ضبط وسایل شخصی از جمله دفتر یادداشت، تلفن دستی، ساعت، خودکار، فندک و سیگار، کلیدهای همراه و ... و وسائلی که با آن بتوان خودکشی کرد. مثلاً تسمه کمر، عینک، بند کفش و ...

سپس از زندانی خواسته می‌شود، که لیست تهیه شده از وسایل را امضا کند. و در نتیجه به آنچه که به او تعلق دارد، کتبا اعتراف کند، تا بعداً بتواند در صورت نیاز، از آن در دادگاه علیه زندانی استفاده کنند. در چنین مواردی باید در صورت امکان از امضا خودداری شود، اگر تحت فشار مجبور به امضا شد، باید بطوری این امضا را نوشت، که بعداً بتوان آن را انکار کرد. مهمترین مساله در این رابطه این است، که حتماً توجه شود که ورقه تاریخ داشته باشد. زیرا مامورین امنیتی در بسیاری از موارد، تاریخ بازداشت را بعداً و پس از اینکه آثار شکنجه از بین رفته باشد، می‌گذارند.

بازجویی

هدف از بازجویی در عمل اقرار فرد به اعمالی است که از نظر رژیم خلاف "قانون" می‌باشد. بازجویی از فعالین سیاسی، با بازجویی از افرادی که برای "جرایم" عادی دستگیر شده‌اند متفاوت است. هدف مامورین امنیتی رژیم از بازجویی یک فعال سیاسی، وسیله‌ای برای به دام انداختن، زندانی کردن و کشتن وی است. از این‌رو، در این مرحله کمترین ضعف و کوچکترین اشتباه فعال سیاسی، می‌تواند برای خودش و دیگر هم‌زمانش، بهائی گران داشته باشد. آنچه باید در این مرحله بدانید، این است که در ابتدا باید، به شما تفهیم اتهام شده باشد. در غیر این صورت فقط به آنها بگوئید که باید ابتدا توسط یک مرجع یا ضابط قضائی تفهیم اتهام شوید. البته هدف از این کار توهم به "قانون" و "مقررات" رژیم نیست، در واقع شما می‌توانید، بیشتر در رابطه با دستگیری خود فکر کرده و داستان‌های پوششی آماده کنید. البته این تفهیم اتهام یک مزیت دیگر نیز دارد، در ادامه بازجویی همیشه می‌توانید به آن رجوع کرده و به برخی از سوالات پاسخ ندهید و فقط بگوئید، این سوال ربطی به اتهام من ندارد، در نتیجه من نیز پاسخی برای آن ندارم.

عموماً بازجویی به سه طریق انجام می‌شود. ۱- اعتراف آزادانه. ۲- پرسش و پاسخ. (همان اصطلاحاً سین- جیم) ۳- آمیزه‌ای از هر دو. برای پیشبرد طریق اول، بازجو از در مهربانی وارد شده، و خیلی آرام و مثلاً از روی "حسن نیت"، از زندانی می‌خواهد که سابقه فعالیت سیاسی، رابطه با دیگر فعالین سیاسی و ... را آزادانه و مفصلاً توضیح داده، و سعی دارد که زندانی را به پر حرفی بکشاند، زیرا هنگام پر حرفی، همیشه ممکن است ناآگاهانه، مطالبی گفته شود، که علیه دیگران بتوان از آن استفاده کرد.

در طریقه دوم، با توجه به مدارک و یا سر نخ‌هایی که هنگام دستگیری بدست مامورین افتاده است، از زندانی پرسش می‌شود و وی نیز باید بسرعت به آنها پاسخ بدهد.

در طریقه سوم، بازجو از فرد دستگیر شده می‌خواهد که مجدداً داستان خود را تکرار کند و در همان حال حرفاش را قطع کرده و تناقض سخناناش را به وی یادآور شده، به سوالات دیگری جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌پردازد.

هنگام انتقال به اتاق بازجویی، زندانی را در راهروهای مختلف چرخانده و به چپ و راست می‌برند، ولی در واقعیت امر، اتاق بازجویی در همان نزدیکی می‌باشد، و فقط از این طریق می‌خواهند، زندانی را گیج کرده و ترس را بر او حاکم سازند.

تا اولین بازجویی، از هر زمانی استفاده کرده، در رابطه با فعالیت تا دستگیری خود یک داستان پوششی آماده کنید. و مداوماً این داستان را برای خود تکرار کنید، تا ، واقعی بودنش برای خود شما نیز مسجل شود. در اولین بازجویی باید همان داستان را ولی خلاصه و مختصر، بنویسید. نوشتن بازجویی نیز نباید تمیز و مرتب باشد. بعد از چند کلمه و یا سطر نوشته شده، روی بخشی از آن را خط‌خطی کرده و از نو همان جمله را با چند کلمه کم و یا زیاد مجدداً بنویسید. بدین‌طریق می‌توانید، وقت‌کشی کرده و به سوالات اصلی فکر کنید. و در ضمن به بازجو نیز القاء می‌شود که شما تمرکز ندارید و از خواندن مطالب نیز خسته خواهد شد. آنچه مهم است، شما در هر بازجویی همین روش را ادامه داده و در زیر شکنجه جسمی یا روحی، فقط همان داستان را بازگو کنید.

در ادامه بطور اختصار راه‌های مبارزه با بازجویان را شرح می‌دهیم:

- ۱- با توجه به هدف بازجویان، که بدنبال اطلاعات بیشتر هستند، باید کاملاً هوشیار باشید.
- ۲- هرگز گول مهربانی‌ها و خوشی ظاهری بازجو را نخورید.
- ۳- تا چیزی پرسیده نشده، پاسخ ندهید. و آنگاه نیز ابتدا فکر کرده، بعداً پاسخ دهید.
- ۴- حتی در حاکمیت بی‌قانون جمهوری اسلامی، فقط یک "متهم سیاسی" هستید.
- ۵- از همان ابتدا سعی کنید، بازجویان، نقاط ضعف و قدرت آنان را بشناسید و در صورت امکان به دیگران منتقل کنید.
- ۶- از نشان دادن احساسات و عواطف خود (خشم، نگرانی، ترس، شگفتی، تنفر و ...) خودداری کنید. در بخش ترفندهای بازجویی به این موضوع اشاره خواهد شد که چگونه بازجویان در مراحل بعدی بازجویی، با شناخت از این احساسات، از آن بر علیه زندانی استفاده خواهند کرد.

نشانه‌هایی که معمولاً مورد توجه بازجو قرار می‌گیرند، بدین شرح‌اند:

- لرزیدن، رنگ‌پریدگی و عرق بر پیشانی = ترس
- سرخ شدن و دروغ‌گویی
- گشادی چشم و باز شدن ناگهانی دهان = شگفتی و رودست خوردن
- خشک شدن لب و فرو بردن آب دهان = خستگی و ناتوانی
- جویدن لب و ناخن، نفس، نفس زدن، فشار دندان‌ها بر روی هم، باز و بسته کردن انگشتان دست، پریدن چشم، لرزیدن چانه، جابجا شدن روی صندلی، پا را روی هم انداختن و برداشتن، آرنج‌ها را به پهلو فشردن = خشم و تنفر و ناراحتی و عدم تعادل
- سر پائین انداختن، خاراندن پیشانی، زانو در بغل گرفتن = پشیمانی و ناامیدی و شکسته شدن نیروی روانی
- ۷- پاسخ باید محکم، متین و حتی‌المکان کوتاه باشد. از حاشیه رفتن و اصطلاحاً رودردزای پرهیز شود.
- ۸- با توجه به پرسش‌های بازجو، سعی شود، به میزان اطلاعات دشمن آگاهی پیدا کرده، و پاسخ‌های لازم را از قبل در ذهن آماده کرد.

۹- هنگام بازجویی، سعی کنید، سوال را با سوال پاسخ داده، نسبت به بعضی از سوالات اعتراض کنید. با این شیوه، بازجو را به موضع دفاعی انداخته وی مجبور به توضیح بیشتر می‌شود، از طرفی دیگر شما وقت بیشتری برای فکر کردن به سوال دارید. این موضوع را نیز در نظر داشته باشید که بهترین دفاع، حمله است!

۱۰- در حین پاسخ دادن، هرگز از دیگران سخن نگفته، و فقط به زندگی و فعالیت‌های خود بسنده کنید. اطلاعاتی که بیان آنها، ممکن است از نظر شما مسأله‌ای نباشد، می‌تواند برای دیگران مسأله ایجاد کند.

۱۱- اعتراف و یا همکاری دیگر زندانیان نباید تأثیری در روحیه شما گذاشته، لب به سخن بکشائید. تا آنجا که ممکن است باید پایداری کرده و از دادن اطلاعات پرهیز کنید. حتی اگر مطمئن هستید که بازجو همه چیز را می‌داند، با بیان آنها از طرف شما، فقط به بازجو کمک کرده و کارش را آسان می‌کنید.

۱۲- در صورتی که مثلاً در یک تظاهرات، بصورت دست‌جمعی دستگیر شده‌اید، ممکن است بازجو سوالاتی از شما بکند، که می‌دانید دیگران بهتر می‌توانسته‌اند، بدان پاسخ بگویند. از این نتیجه بگیرید که همزمانان، مقاومت کرده و به بازجو پاسخی نداده‌اند.

۱۳- هنگام بازجویی، خودتان را به نادانی مطلق نزنید. دانستن مطالبی که همه می‌دانند و یا کارهایی که برای همگی عادی و معمولی است، "جرم" نیست.

۱۴- هرگز گول نیرنگ، دروغ‌پردازی و فریبکاری بازجو را نخورید. معمولی‌ترین "بلوف" بازجو این است که، ما همه چیز را می‌دانیم، انکار فایده‌ای ندارد، دیگران همه چیز را گفته‌اند و بزودی آزاد می‌شوند، تو هم بگو و خودت را خلاص کن. در مقابل آن باید پاسخ بدهید که شما که از همه چیز باخبرید، چه احتیاجی است که من چیزی بگویم، وانگهی من کار خلافی نکرده‌ام که به آن اعتراف کنم. فراموش نکنید که این بازجو است که باید ثابت کند، شما کار خلاف "قانون" انجام داده‌اید، نه زندانی!

۱۵- هیچ‌گاه به بازجو و یا دیگر مقامات انتظامی- امنیتی، اعتماد نکنید.

۱۶- در بازجویی، سعی کنید با حاضر جوابی و گفته‌های مستدل خود، بهانه‌جویی بازجویان را نقش بر آب کنید.

۱۷- از دروغ گفتن به بازجویان، نترسید. البته کار ساده‌ای نیست. شما همیشه باید داستان‌های پوششی مناسبی برای دروغ‌گویی داشته باشید، که در صورت کنترل، خلاف آن مشخص نشود. در مراحل بازجویی می‌توانید قسمتی با همه صحبت خود را انکار و یا تکذیب کنید، به این صورت که: ۱- منظور من چیز دیگری بود. ۲- من تحت فشار و در وضعیت غیر عادی مجبور شدم دروغ بگویم.

۱۸- آخرین نکته این است که هیچ‌گاه به "جرم" اعتراف نکنید. بگذارید تا بازجو خسته شود. "در بازجویی اصل را بر انکار همه چیز باید گذاشت. زندانی در حال بازجویی مانند کسی است که چانه‌اش را به سرنیزه تکیه داده است. هر چه از او پرسند باید سرش را بالا بیندازد و "نه" بگوید تا سرنیزه در چانه‌اش فرو نرود. بر عکس هر بار که "آری" بگوید، سرنیزه در چانه‌اش بیشتر فرو می‌رود."

شگردهای مختلف در بازجویی

آنچه باید در ابتدا متذکر شویم این است که چگونگی بازجویی و رفتار بازجویان با دستگیرشدگان در مورد تمام بازداشتیان یکسان نیست، بلکه بستگی به فرد بازداشتی و شرایط روز دارد.

روش بازجویی در رابطه با افرادی که برای اولین بار دستگیر می‌شوند، معمولاً بدین شرح است:

- شیوه‌های بازجویی.

اولین مرحله کار، "بازجویی" می‌باشد، یا بهتر بگوییم، وادار کردن بازداشت شده، به گفتن مطالبی که مقامات امنیتی خواهان شنیدن آن هستند. برای این منظور، ابتدا از در مهربانی و نیک‌خواهی و تطمیع وارد عمل شده، و از مزایای همکاری و عواقب بد و خطرناک سخن نگفتن، داستان‌سرایی می‌کنند. چنانچه در این زمینه به نتیجه نرسند، بر تعداد بازجویان افزوده، و هر یک به نوبت و یا بعضاً با تیم‌های دوفره ساعت‌ها با زندانی کلنجار رفته، ضمن استفاده از هر حيله و نیرنگی با فحاشی و دشنام‌گویی، از مشت و لگد نیز استفاده می‌کنند. این شیوه را، تا ۲۴ و گاهی ۴۸ ساعت ادامه می‌دهند، تا زندانی از فرط خستگی و بی‌خوابی بکلی ناتوان شده و از پا درآید. این مرحله را چندین بار تکرار کرده و به تدریج بر تهدیدات و سخت‌گیری‌ها و شدت ضربات خود می‌افزایند، و در ضمن بازجویان خشن‌تر و تازه نفس‌تری را به کار می‌گیرند. چنانچه در این مرحله نتوانند مقاومت زندانی را در هم شکنند، مرحله سوم، که همان شکنجه است آغاز می‌شود.

اما چنانچه فرد بازداشت شده، در ارتباط با گروه‌های سیاسی باشد، شیوه کار متغیر است، بدین شکل که برای بدست آوردن اطلاعات، مخصوصاً قرارهای تشکیلاتی، از همان ابتدا شکنجه آغاز می‌شود. در این مرحله حتی ممکن است سؤالی هم از فرد اسیر نشود، فقط شکنجه و شکنجه در اغلب موارد چندین بار زندانی بی‌هوش می‌شود، که مجدداً وی را به هوش آورده و شکنجه را ادامه می‌دهند. هدف از این مرحله، شکستن روحیه و به هم زدن تمرکز زندانی می‌باشد.

- روش‌های ترساندن

بازجویان برای اقرار گرفتن از زندانی با استفاده از شیوه‌های مختلفی، سعی در ترساندن وی می‌کنند. که نه تنها شامل حال خودش، که حتی افراد خانواده، دوستان و حتی همکاران وی نیز می‌باشد. از جمله این روش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- **وصله دروغ بستن، یا اختلاف افکنی.** یکی از شیوه‌های ساده و مقدماتی برای ترساندن متهم سیاسی، نسبت دروغ دادن و وصله چسباندن به اوست. بازجویان در چنین مواردی به زندانی می‌گویند، اگر با ما همکاری نکنی، آبرویت را خواهیم برد، شایع می‌کنیم که نه تنها اطلاعات خودت را به ما دادی، بلکه باعث لو رفتن دیگران هم شده‌ای.

زندانی که سخن نگفته باشد، نباید به این حرف‌ها توجه کند. زیرا بالاخره واقعیات برای دیگران مشخص خواهد شد. و کسی این اتهامات را باور نخواهد کرد.

اختلاف‌افکنی بین زندانیان سیاسی، شگرد مهم بازجویان می‌باشد. در این روش از روز اول به زندانی گفته می‌شود، که کار ما با تو تمام شده و نهایتاً یکی دو روز دیگر آزاد می‌شوی. وقتی روز آزادی فرا می‌رسد، زندانی را با اتهامات جدیدی مواجه کرده و می‌گویند، اینها را دوستانت علیه تو اعتراف کرده‌اند، حال اگر تو هم علیه آنها اعتراف کنی، آزاد می‌شوی، و این عمل را تا روز آخر بازجویی ادامه می‌دهند. در این زمینه در ادامه بیشتر توضیح خواهیم داد، که نباید گول بازجویان را خورد.

۲- **اعدام مصنوعی.** در این روش، برای به حرف درآوردن زندانی برای وی، شرایط تیرباران را ایجاد می‌کنند. از وی خواسته می‌شود که وصیت‌نامه خود را نوشته، سپس وی را با چشم‌بند به میله‌ای بسته در مقابل جوخه آتش قرار می‌دهند. یا اینکه با چشمان بسته لوله هفت‌تیر را بر پیشانی وی قرار می‌دهند.

بهتر است زندانی در این شرایط به این بیاندیشد، که اعدام و تیرباران حتی در حکومت بی‌قانون جمهوری اسلامی نیز دارای مقدماتی است، و این بیشتر صحنه‌سازی می‌باشد.

۳- روبرو کردن. یکی دیگر از شگردهای بازجویان، ترساندن زندانیان برای روبرو کردن آنان با زندانیانی است که به ادعای بازجویان، هم اکنون تمام اطلاعات خود را در اختیار آنان قرار داده و با دشمن همکاری می‌کنند.

زندانی نیز نباید از این شیوه برخوردار، و اهمه داشته باشد. زیرا دو حالت بیشتر نیست، یا دشمن راست می‌گوید که در آن صورت هنگام روبرو شدن با فرد نامد و گوش دادن به سخنان او می‌توانید به اطلاعاتی که تا کنون وی به بازجویان داده است، پی ببرید. و البته هر چه در رابطه با شما گفته شد را باید انکار کنید. یا بازجو دروغ می‌گوید و فقط بلوف زده است. که در این صورت نیز می‌دانید، همزمانتان در مقابل شکنجه تسلیم نشده و اعترافات نداشته‌اند.

- شکنجه‌های جسمانی

معمولی‌ترین روشی که از طرف دژخیمان برای گرفتن اقرار از زندانیان بکار برده می‌شود، شکنجه است. در باره انواع و اقسام شکنجه‌ها و نتایج حاصله از آنها مطالب گوناگونی نوشته شده است.

ما در اینجا اشاره کوتاهی به یکی از معمولی‌ترین شیوه‌های شکنجه، یعنی "کابل زدن" به کف پا، داریم، که تجربه یکی از رفقا می‌باشد. "بعد از اولین کابل خوردن، به محض آمدن به سلول، باید مدتی درجا زد تا ورم کف پا کمی بخوابد. بعد از وسایل موجود در لباس مثل دکمه، زیپ یا یک چیز سفت استفاده کرده و روی آن درجا زد. همچنین از اضافه نان نیز می‌شود با آب دهان خمیر درست کرده و چیزی شبیه دسته هاون ساخت و روی آن درجا زد. البته چون در سلول ما "گلیم" کلفتی بود، با لوله کردن گلیم روی آن درجا می‌زدیم. البته در واقع این کار کمی دردآور است، ولی در همان حال می‌شود به مطلب خود، اتفاقات و شنیده‌ها در بازجویی فکر کرده درد را از یاد برد. اما فایده درجا زدن از این جهت است که سلول‌های کف پا کشته شده و پوست پا کلفت و کم احساس می‌شوند. از طرفی دیگر پوست پاره نشده و از زخم شدن و عفونت آن جلوگیری می‌شود. و همچنین توان کابل خوردن نیز بالا می‌رود، کم کم بازجویان خسته و متقاعد می‌شوند که اطلاعاتی نداری. در ضمن این کارها، باید همواره فراموشی بیرون رو به خود تلقین کرد. من این عمل را شش ماه ادامه دادم، بدون اینکه حتی اسم یک نفر را بر زبان بیاورم، آنها(بازجویان) راضی شدن که من را ول کنند و پرونده را بسته و به دادگاه بفرستند."

اگر چه بسیاری در زیر شکنجه تسلیم شده‌اند، ولی نمونه‌های بیشماری از افراد انقلابی وجود دارد، که سر تسلیم فرو نیاوردند. زیرا ایمان انقلابی در راه اهدافی که برای آن مبارزه می‌کردند، در این افراد از درد قوی‌تر بود. هر فرد مبارزی می‌تواند با تقویت نیروی اراده و ایمان خود به چنین مرحله‌ای رسیده همچون کوه استوار باشد.

- **شکنجه‌های روانی.** یکی دیگر از روش‌های شکنجه، شیوه‌های روانی است که معمولا مکمل شکنجه‌های جسمانی می‌باشد. و بازجویان سعی می‌کنند از این طریق نیروی پایداری زندانی را در هم شکسته، و در نتیجه با "شستشوی مغزی"، زندانی را بطور کامل در اختیار بگیرند. در این زمینه از شیوه‌های مختلفی استفاده می‌شود، از جمله:

۱- تنها گذاشتن. بازجو به خوبی می‌داند که زندانی‌بان وقتی در کنار هم باشند، روحیه‌شان بیشتر شده و مقاومت‌شان صدچندان می‌شود. از اینرو می‌کوشد تا مدت‌ها زندانیان را دور از هم نگهدارد. تا از این طریق حس تنهایی را در زندانی تشدید کرده مقاومت وی را در هم شکند. در این مدت سعی می‌کند که به زندانی بقولاند که تنه‌است، و هر کاری که بخواهند می‌توانند با وی بکنند. بهتر است به حرف درآمده و همچون دیگران اعتراف کند تا بتواند به میان جمع برگردد. البته در کنار این تاکتیک بازجو می‌کوشد با قطع رابطه زندانی با دیگر زندانیان، مانع از ارتباط وی با بیرون از زندان شود.

۲- نیک‌خواهی. یکی دیگر از شیوه‌های بازجویان، تظاهر به دلسوزی و نیک‌خواهی نسبت به زندانی است. با وی با صدای نرم و گرم و متناسب با موقعیت اجتماعی وی صحبت کرده و او را "نصیحت" می‌کنند. زندانی اگر تحصیل کرده باشد، به وی می‌گویند، بهتر است دنبال مقام و کار باشد، اگر کارگر و زحمتکش است، به وی می‌گویند، چرا آلت دست دیگران شده و اجازه می‌دهد که دیگران او را به بازی بگیرند.

۳- مایوس کردن. یکی از بزرگ‌ترین اهداف بازجویان، نا امید و دل‌سرد کردن مبارزین است. در این راه به مانورهای مختلفی دست می‌زنند، یا از رهبران سیاسی بد گفته و آنان را به کشورهای خارجی منسوب می‌کنند، از اختلافات بین جریان‌های سیاسی، برای زندانیان سخن می‌رانند و یا قدرت مامورین امنیتی را در سرکوب جنبش بیش از بیش بزرگ می‌کنند. و زندانی را در برابر این سوال قرار می‌دهند که مثلا شما چند نفر در برابر این دستگاه بزرگ امنیتی چه می‌توانید بکنید؟ و به دیگر شیوه‌های مختلف سعی در مایوس کردن زندانی دارند.

۴- استفاده از نقاط ضعف. برای خرد کردن مقاومت زندانی، بازجویان سعی در کشف نقاط ضعف زندانی دارند. از علائق خانوادگی گرفته تا مسائل جنسی. برای بازجو فرقی نمی‌کند. با ارائه سوالات و یا توهین و افترا، سعی می‌کنند، به نقاط ضعف زندانی پی‌ببرند. مخصوصا علائق خانوادگی برای بازجویان مهم است. هنگام بازجویی با خانواده تماس تلفنی می‌گیرند، و از پدر و مادر می‌خواهند که با گریه و زاری فرزندشان را به اعتراف وادارند. و یا آنها را نیز دستگیر کرده و در مقابل زندانی، دست به شکنجه آنها می‌زنند.

یکی از زندانیان، دستگیر شده روز "عاشورا" چنین می‌گوید: "اولین ساعات بازداشت، وقتی پدر و مادرم، به جلوی ... آمده بودند، و خواستار اطلاع از محل نگهداری من شدند، هم‌زمان من را به اتاقی در نزدیکی در ورودی انتقال دادند، که من صدای گریه مادرم را از آنجا می‌شنیدم، که دنبال من می‌گشت. و بازجویان منکر دستگیری من بودند." وی همچنین ادامه می‌دهد که: "هنگام بازجویی با خانواده تماس تلفنی گرفته، و به مادرم گفته بودند، حکم آزادی‌اش صادر شده و فقط باید یک تعهدنامه را امضا کند، ولی حاضر به اینکار نیست، شما راضی‌اش کنید. مادر که از همه‌جا بی‌خبر است با فرزندش (تلفنی) صحبت کرده و خواستار امضا ورقه می‌شود، در حالی‌که منظور از بازجو، نه تعهدنامه، بلکه برگه اعتراف از پیش نوشته بوده است."

۵- بلوف زدن. یک‌دستی زدن یکی از معمولی‌ترین شیوه‌هاست. به زندانی گفته می‌شود که از همه چیز با خبرند، فقط بهتر است که خود زندانی به فعالیت‌هایش اعتراف کند که جرم‌اش کمتر شود. بعضا نیز برای این‌کار از مطالب و مسائلی که از دیگر زندانیان جسته و گریخته شنیده‌اند، با زندانی صحبت می‌کنند و می‌گویند که ببین ما خیلی چیزها را می‌دانیم. هر زندانی ممکن است هنگام بازجویی به مسائلی اشاره کند که از نظر خودش اهمیتی ندارد، در حالیکه نمی‌داند، بازجو از این موارد هم می‌تواند استفاده کند. بطور مثال یک زندانی در بازجویی می‌گوید، "که با فرد مورد نظر هفته گذشته، بعد از کار به سینما رفته و بعدا نیز در فلان ساندویچی، غذا خورده‌اند." بازجو هنگام بازجویی زندانی مورد نظر ما که از بازجویی فرد دیگر اطلاعی ندارد، به وی می‌گوید: "ما از همه چیز اطلاع داریم، شما مدت‌هاست که تحت تعقیب هستید، مثلا هفته پیش با فلانی به سینما رفته و پس از آن به فلان مغازه ساندویچی رفتید." بازجو حتی به نوع لباسی که پوشیده بودید و غذائی که خوردید نیز اشاره می‌کند. و در ادامه می‌گوید، باز هم می‌خواهی انکار کنی؟ پس بهتر است که خودت اعتراف بکنی. متأسفانه در خیلی موارد زندانی باور می‌کند که پلیس همه چیز را می‌داند، در نتیجه خودش نیز خیلی مسائل دیگر را مطرح می‌کند.

در این موارد زندانی باید به این مساله فکر بکند، اگر بازجو همه چیز را می‌داند، چرا از روابط سیاسی مثال نیاورده، بلکه از سینما رفتن و غذا خوردن صحبت می‌کند.

البته گاهی اوقات بازجو تمعدا به زندانی دروغ می‌گوید و واکنش زندانی را مورد بررسی قرار می‌دهد. چنانچه در دام بازجو افتادید، با کش دادن مطلب ساختگی، شما را به دروغ‌گویی بیشتر وادار ساخته، و در همین حال، قدرت حاضر جوابی، نکته سنجی، تیزهوشی، و سرعت انتقال شما را بدست می‌آورد.

۶- **بل گرفتن.** روش دیگر اعتراف‌گیری، بررسی واکنش زندانی در برابر کلمات گزیده‌ای است که از دهان بازجو بیرون می‌آید. در این روش، بازجو با اخبار و اطلاعات و حدسیاتی که دارد، فهرستی از واژه‌ها را بیان می‌کند، و زندانی به مجرد شنیدن هر یک از آنها، نخستین کلمه‌ای را که به ذهنش می‌رسد، باید بیان کند. چنانچه در مقابل هر واژه زندانی بیش از چند ثانیه تردید کند، برای بازجو نشان از دروغ‌گویی است. در نتیجه بازجو پرسش‌های بعدی خود را طوری بیان می‌کند که از همان نقطه ضعف، سرخ‌های بیشتری بدست آورد.

۷- **داروهای شیمیایی.** بازجو سعی می‌کند با استفاده از نقاط ضعف زندانی، و ناآگاهی از حقایق پزشکی، داستان هائی در رابطه با "داروهای راستگویی" برای زندانی بیان کند. و در واقع از قبل به زندانی اینطور تلقین می‌کند، که با استفاده از این دارو، بدون هیچگونه مقاومتی، زندانی لب به سخن خواهد گفت. حتی ممکن است، دارویی(مخدر) که کمی برای زندانی حالت گیج کننده داشته باشد، استفاده کنند.

در این روش، در واقع دو عامل "یادآوری" و "نیرو" در مقابل هم قرار می‌گیرند. تلقین کننده(بازجو) و تلقین شونده(زندانی). تا خود تلقین شونده نخواهد و آمادگی نداشته باشد، هیچ تلقین کننده‌ای نمی‌تواند در روحیه و نیروی اراده وی تاثیر کند. "اسکوپولامین" و یا داروهای دیگر، هیچ تاثیری در نیروی دفاعی و یا قدرت حافظه و بیان شخص ندارد. تنها یک حالت سستی و تخدیر و خلسه ماندنی در برخی از افراد ایجاد می‌کند. بازجو از قبل، سعی می‌کند به زندانی تلقین کند که با این تزریق، زندانی به حرف خواهد آمد، و پس از استفاده نیز، مرتب این موضوع را مطرح می‌کند، و هم‌زمان مطالبی را که می‌داند، بازگو می‌کند، تا به زندانی تلقین شود که همه چیز را می‌داند، پس بهتر است خودش بقیه صحبت را ادامه دهد. حتی مواردی دیده شده است، که افرادی با ضعف اراده و تلقین‌پذیر با چند قطره آب مقطر و یا قرص تقویتی، که با آب معمولی به آنها داده شده است. تحت تلقین شروع به صحبت کرده‌اند.

در چنین مواردی بهتر است بدین شکل عمل شود:

الف- کار پزشک را دشوار نموده، با تکان دادن دست از تزریق جلوگیری شود. و با در حین تزریق دست را پیچانده، و پزشک از ترس شکستن سوزن، سرنگ را خارج خواهد کرد، در نتیجه از حد لازم کمتر تزریق خواهد شد. و بالنتیجه نمی‌تواند به مرز مطلوب "شکستن اراده" رسیده، و بازجو تلقینات خود را آغاز کند.

ب- سکوت کامل. پزشک از شما خواهد خواست که شروع به شمارش اعداد کنید و یا به برخی از سوالات وی، پاسخ دهید، پس از آن نوبت بازجو است که ابتکار عمل را بدست بگیرد. پس خونسردی را حفظ کرده و هیچ صدا و یا نشانه‌ای که از خواب‌آلودگی شماست، از خود بروز نداده، افکار خود را متوجه چیزهای دیگر نکنید. حتی در ابتدای "بیهوشی" می‌توانید با شل کردن زبان خود، هنگام شمردن، خود را به بیهوشی بزنید.

این نکته مهم را فراموش نکنید، اگر واقعا چنین دارویی وجود داشته باشد، نه تنها در ایران، بلکه در تمام جهان، دیگر به شکنجه‌های قرون وسطایی احتیاجی نیست و به هر زندانی می‌توان همین دارو را داد و تمام مسائل و اطلاعات را بدست آورد!

۸- **دروغ سنج.** در بعضی از موارد، بازجویان با استفاده از دستگاه دروغ سنج (پلی‌گراف) کمک می‌گیرند. در این روش در ابتدا سوالات معمولی از زندانی می‌شود، و زندانی باید با "بله" یا "نه"، پاسخ بدهد. و در ضمن واکنش‌های طبیعی بدن، مثل فشار خون، ضربان قلب، عرق کردن و ... اندازه گیری می‌شود. و در بین سوالات، نیز در رابطه با فعالیت سیاسی سوالاتی مطرح می‌شود. در پایان، بازجو پاسخ‌های داده شد و نتیجه آزمایش را مورد بررسی قرار می‌دهد.

برای مقابله با این روش می‌توانید به یکی از اشکال زیر عمل کنید.

الف- هرگز پاسخی، به سوالات ندهید.

ب- به تمامی سوالات، صرف‌نظر از نوع آن، دروغ بگوئید.

ج- به سوالات، به تناوب یکی در میان، پاسخ "بله" و "نه" بگوئید.

۹- **دهلیز ارواح.** این نامی است که زندانیان بر شب‌های اوین گذاشته‌اند. نیمه‌شب‌ها در زندان، به ناگاه فریاد جیغ‌های دلهره‌انگیز و فریاد ناله بلند می‌شود. البته در واقع این‌ها نوار هستند، که از روی واقعیت‌ها ضبط شده‌اند. در هنگام شکنجه، بازجویان صداها را ضبط می‌کنند. و بعدا شب‌ها برای ترسانیدن زندانیان آنها را با صدای بلند پخش می‌کنند. عموم زندانیان، مخصوصا آنها که هنوز در طی مراحل بازجویی هستند، فکر می‌کنند که هم اکنون دیگر همبندانشان در حال بازجویی و شکنجه هستند.

۱۰- **تلقین.** روش دیگری که به منظور ترساندن زندانی، بکار می‌برند، تلقین است، این عمل از همان آغاز دستگیری و بدون وقفه و با اشکال مختلف یا با تکرار جملات فریبنده و یا تهدیدآمیز، ادامه پیدا می‌کند. تا زمانی که نیروی مقاومت زندانی در هم شکسته شود.

۱۱- **تکرار.** در این روش، بازجو به دقت به پاسخ زندانی، در مقابل سوال گوش می‌دهد و سپس هم سوال و هم جواب را به کرات تکرار می‌کند. در ادامه، این کار را با هر سوال بعدی انجام می‌دهد، تا زمانی که زندانی چنان خسته شود، که برای خلاص شدن از یکنواختی، به پرسش‌ها، دقیق و کامل جواب دهد. در این روش از بازجویی، معمولا از چند بازجو استفاده شده و مکالمات نیز ضبط شده، که تمام بازجویان در جریان قرار بگیرند. بهترین شیوه مبارزه با این نوع بازجویی، کنترل بر اعصاب می‌باشد، در ضمن هنگامی که بازجو در حال تکرار است، می‌توان مجددا بر اعصاب مسلط شده، و برای جواب بعدی خود را آماده کرد.

۱۲- **شلیک سریع.** در این روش از یک تاکتیک روان شناختی استفاده می‌شود، مبنی بر این اصل که همه دوست دارند زمانی که صحبت می‌کنند، شنیده شوند و قطع کردن صحبت و یا فهم نادرست مطلب از طریق طرح سوالی نامربوط گیج کننده است. به زبانی دیگر بازجو مجموعه‌ای از سوالات را به طریقی مطرح می‌کند که زندانی فرصت پاسخ گفتن کامل به یک سوال را پیش از طرح پرسش بعدی ندارد. این مساله زندانی را گیج می‌کند و او به تناقض می‌افتد، زیرا فرصت کمی برای آماده کردن جواب‌هایش دارد. در ادامه بازجو، زندانی را در مقابل تناقضاتش قرار می‌دهد، که این خود به تناقضات بیشتر منجر می‌شود. در نتیجه در بعضی موارد زندانی برای اصلاح حرف خود شروع به صحبت کرده، و بیش از مورد نیاز به اطلاعات بازجو، کمک می‌شود. در این روش نیز از چند بازجو استفاده می‌شود. و عموما در لحظات اولیه دستگیری که زندانی هنوز در "گیجی" بسر می‌برد، از آن استفاده می‌شود. مشکل بازجویان در این مورد این است که سوالات را باید قبل از بازجویی آماده کرده، اطلاعات کامل از پرونده زندانی داشته، و با تجربه باشند. بهترین شیوه برخورد با این شیوه، تسلط کامل به اعصاب و دادن پاسخ‌های کوتاه، و سوال را به سوال پاسخ دادن (برای فکر کردن در رابطه با سوال) است.

۱۳- **حمله به غرور و شخصیت.** در این روش، ارزش شخصیتی زندانی مورد حمله قرار می‌گیرد. هدف بازجو حمله به غرور زندانی از طریق حمله به وفاداری، توانائی، هوش، ظاهر نامرتب، یا هر ضعف دیگر است. چنانچه زندانی نیز از نظر روحی فردی ضعیف باشد، تحریک شده و در وضعیت دفاعی قرار گرفته، و سعی می‌کند که بازجو را متقاعد کند، که آدم مهمی است. همانگونه که قبلا نیز گفته‌ایم، نباید این امکان را به بازجویان داد که نقاط ضعف و قوت زندانی را بشناسند. بهترین راه مبارزه عدم دفاع است. باید حرف بازجو را ملاک قرار داده و تاکید کرد که اشتباهی دستگیر شده، و حتی ارزش دستگیری نیز نداشته است. اگر این روش، برای بازجو موفقیت‌آمیز نباشد، برایش یک بن بست بزرگ است، زیرا اعتبار خود را در واقع از دست داده، نمی‌تواند شیوه دیگر بازجویی را در پیش بگیرد.

۱۴- **سکوت.** در این روش، که در مقابل افراد عصبی و پر تحرك به کار گرفته می‌شود، بازجو هیچ صحبتی نکرده، فقط با چشم‌هایش خیره شده، لیکن تحقیرآمیزی بر چهره دارد. اگر چه برگرداندن نگاه از شخص اهمیتی ندارد، ولی مهم این است که تماس چشمی را ابتدا زندانی، قطع کند. در ادامه فرد عصبی شده و در صندلی مرتب جابه جا می‌شود. حتی ممکن است زندانی شروع به پرسیدن سوال بکند. اما بازجو تا زمانش نرسیده باشد، صحبتی نخواهد کرد. پس از آن ممکن است بازجو با لحنی بی‌علاقه تعدادی سوال را مطرح کند. این شیوه بازجویی، تا زمانی‌که مشخص شود، موفق

نیست، ممکن است ادامه پیدا نکند. البته در این روش بازجو نیز باید فردی صبور باشد. جانبیخته "نیرین علم‌هولی" در نامه‌ای که به بیرون از زندان ارسال داشته بود، در این زمینه می‌نویسد: "... تمام روز مرا در اتاق بازجویی سرپا نگه می‌داشتند، بدون هیچ سوالی، فقط بازجویان می‌نشستند و جدول حل می‌کردند."

۱۵- عاطفی

روش عاطفی، منطق زندانی را در برابر مقاومت، با دستکاری و استفاده از عواطف فرد علیه خودش، تحلیل می‌برد. عواطف اصلی زندانی در زمان دستگیری ممکن است عشق و با ترس باشد. این عشق و با ترس، ممکن است به نفرت نسبت به فرد دیگری تغییر یابد و به کار افتد. برای تحلیل بردن بخش منطقی فرد، ترس را می‌توان ایجاد کرد و با افزایش داد. به اقتضای موقعیت، یا چنانچه ترس فرد تحت بازجویی بسیار زیاد باشد، که نتواند بازجو باوی ارتباط برقرار کند، بازجو در صدد برمی‌آید، که ترس زندانی را کاهش داده، و کم کم اطلاعات موثری را از وی بدست آورد. در این روش، حتی ممکن است، زندانی به بازجو از نظر عاطفی علاقمند شود.

زندان

مرحله دیگر، که در حقیقت از همان نخستین ساعات دستگیری فعال سیاسی آغاز می‌گردد، زندان رفتن است. چهار دیواری زندان، بوته آزمایش یک فعال سیاسی می‌باشد. در این‌جا، نیروی روانی، هوشیاری و بردباری فرد زندانی آزمایش می‌شود. و در همین‌جا است که دشمن با استفاده از تمام نیرنگ‌ها، و شکنجه‌های طاقت‌فرسا، سعی در هم شکستن زندانی دارد. به نظر روانشناسان، آنچه زندانی را می‌شکند و خرد می‌کند، اراده خود وی است، گر نه شکنجه فقط وسیله است. اگر زندانی واقعا بخواهد مقاومت کند، بدن و اعصاب وی بی‌روز بوده، شکست نخواهد خورد. منظور بازجو از شکنجه به دست آوردن اطلاعات است، از این رو همیشه در تلاش است که زندانی، زنده بماند.

اگر چه زندان‌های رژیم جمهوری اسلامی، و شیوه برخورد با زندانیان سیاسی، متفاوت است، در ادامه ما شیوه‌های کلی مبارزه با زندانبانان، و راه‌های مقاومت در زندان را به اختصار شرح می‌دهیم.

۱- نخستین و در عین حال فوری‌ترین وظیفه‌ی زندانی این است که ببیند چرا به دام افتاده، و چگونه می‌تواند دیگر هم‌زمان خود را از لو رفتن و گرفتار شدن، محافظت کند. نتیجه و بررسی این موضوع را در حالی که امکان داشته باشد، باید سریعا به بیرون از زندان منتقل کند. با تمام مشکلات و دشواری‌ها، زندانی باید همیشه در صدد ارتباط با دنیای بیرون از زندان بوده، اخبار و اطلاعات را به بیرون منتقل کند.

۲- در زندان، نیز اصول مرزبندی و مخفی‌کاری را کاملا رعایت کرده و هرگز از اطلاعات مربوط به فعالیت خود، با دیگران صحبت نکند. حتی اگر به دیگر زندانیان اطمینان هم دارد، نیازی نیست که این مسائل را بازگو کند. این نکته را نیز باید در نظر داشت که همواره نیروهای نفوذی دشمن، در میان زندانیان وجود دارند. چنانچه، به فردی در این زمینه مشکوک شدید، مساله را به زبان نیاورید، بلکه بکوشید وی را به بازی گرفته، با پرسش‌های خودسرانه و ظاهرا ساده، از مقاصد و چگونگی روابط وی با زندانبانان اطلاع حاصل کنید. تنها هنگامی که واقعا از نفوذی بودن وی مطمئن شده‌اید، مساله را به دیگر افراد مطمئن در میان بگذارید.

۳- یکی دیگر از وظائف مهم، شناختن بازجویان، و دقت در جزئیات امور زندان می‌باشد. سعی کنید، نام بازجویان (واقعی یا مستعار)، مشخصات چهره و اندام، طرز گفتار (لهجه)، روحیات و رفتار آنها را بدست آورده، بعدا از راه‌هایی که امکان داشته باشد به خارج از زندان، بفرستید. همچنین اطلاعاتی در رابطه با زندان از جمله: تعداد زندانیان و زندانبانان، نگهبانان، بازجویان، ساعات عوض شدن آنها، اقدامات حفاظتی و شدت و ضعف آن در ساعات روز و ... بدست آورید. در بعضی مواقع تغییر در این موارد گفته شده می‌تواند، نشان از تغییرات در بیرون از زندان باشد.

۴- با زندانبانان، وارد بحث و جدل نشوید. در مجموع، آنها افرادی پرعقده، کم‌سواد و ساده‌لوح‌اند و شعور سیاسی ندارند. به آنان چنین فهمانده شده است، که زندانبانان سیاسی، همگی "خائن"، "جاسوس"، "ضد ایرانی"، "لامذهب"، "کمونیست"، "دزد و آدمکش"، "بی‌ناموس" و ... هستند.

۵- در بسیاری از اوقات، مسئولین زندان، برای در فشار گذاشتن و تحقیر فعالین سیاسی، زندانیان سیاسی را به بندهای مجرمین معمولی منتقل می‌کنند. این ترفند رژیم را باید علیه خود آنان استفاده کرد. زندانیان عادی، خود از محروم‌ترین قربانیان اجتماع بوده و از بسیاری مسائل بی‌اطلاع می‌باشند. در این جا به خوبی می‌توان به روشنگری پرداخت، و ضمن بدست آوردن سمپاتی آنها، از امکاناتی که برخوردارند، از جمله ملاقات، استفاده کرده و با بیرون تماس برقرار کرد.

۶- در زندان، وقت را بیهوده نگذرانید. با یک برنامه‌ریزی، در صورتی که امکان باشد، ورزش جمعی را سامان بدهید. در غیر اینصورت طبق یک برنامه معین، بخشی از وقت خود را به ورزش اختصاص بدهید. چنانچه دسترسی به کتاب باشد، مطالعه را نیز در دستور کار بگذارید. سعی کنید با دیگر هم‌زمان ارتباط برقرار کرده، اخبار و اطلاعات را رد و بدل کنید. با این روش روحیه خود و دیگر هم‌زمان را تقویت کنید. یکی از راه‌های ارتباطگیری زدن "مورس" می‌باشد. در اینجا به طور اختصار شیوه یادگیری زبان "مورس" را شرح می‌دهیم. با کمی تمرین می‌توانید آنرا آموخته، و به دیگران یاد بدهید. این شیوه ارتباطگیری بسیار لازم و مفید است، بهترین نمونه آن: در سال ۱۳۶۷، هنگامی که دستور کشتار زندانیان توسط خمینی، صادر شد. تعدادی از زندانیان که از دادگاه‌های مرگ چند دقیقه‌ای و کشتار زندانیان با اطلاع شده بودند، سریعا توسط "مورس" زدن و اطلاع دادن به دیگر بندها، جان عده‌ی زیادی را نجات دادند.

شیوه کار برای زدن مورس بدین شرح می‌باشد:

سی و دو حرف فارسی، با همان ترتیبی که دارند، به چهار دسته‌ی هشت حرفی تقسیم می‌شوند. هر دسته‌ی هشت حرفی یک ردیف را تشکیل می‌دهد و چهار ردیفی که به این شکل درست می‌شوند به ترتیب زیر هم قرار می‌گیرند:

۱- ا ب پ ت ج چ ح

۲- خ د ذ ر ز س ش

۳- ص ض ط ظ غ ف ق

۴- ک گ ل م ن و ه ی

به هنگام زدن مورس، فرستنده‌ی پیام، با زدن دو ضربه ممتد، به ازای هر ردیف، شماره‌ی ستون را مشخص می‌کند و ضربه‌های بعد شماره‌ی حرف را در ستون. مثلا، برای مخابره‌ی کلمه‌ی خطر، دو بار دو ضربه‌ی پیاپی زده می‌شود، یعنی ستون دوم، کمی مکث، سپس یک ضربه زده می‌شود، یعنی خ. و ادامه‌ی آن:

دو- یک (خ) دو بار دو ضربه ممتد - یک ضربه

سه- سه (ط) سه بار دو ضربه ممتد - سه ضربه با فاصله

دو- چهار (ر) دو بار دو ضربه ممتد - چهار ضربه با فاصله

البته برای استفاده از این شیوه باید ساعاتی را انتخاب کرد، که مامورین در بندها، نباشند. و از قبل نیز برای علامت سلامتی و یا شروع "مورس" قرار ی با دیگران گذاشت.

۷- مبارزه با تنهانی، یکی از دشواری‌های بزرگ در زندان است. البته برای آنانی که در سلول‌های عمومی هستند، این مشکل زیاد بزرگ دیده نمی‌شود. اما برای مبارزینی که در سلول انفرادی بسر می‌برند، این یک مشکل بزرگ است. که نیاز به یک برنامه ریزی برای "وقت‌کشی" می‌باشد.

مبارزه با تنهائی دو شکل دارد. "درونی" و "بیرونی". مقصود از مبارزه درونی، مشغول نگاهداشتن ذهن است، که ذهن، کمتر به مسائل زندان، متمرکز شود. برای اینکار، در صورتی که موجود باشد، می‌توان مطالعه کرد، در تفکرات سیاسی، اجتماعی، فلسفی، غرق شد و یا خاطرات گذشته، اشعار، داستان‌هایی که خوانده‌اید و ... را مرور کرد. تلقین به خود بمنظور مبارزه با گرسنگی، تشنگی، سرما و گرما نیز از جمله دیگر افکار می‌باشد. منظور از مبارزه بیرونی، فعالیت‌های جسمی و غیر فکری می‌باشد. که مهم‌ترین آنها، ورزش‌های ساده، قدم‌زدن و حرکات نرمشی و یوگا است. این نکته را نیز نباید فراموش کرد که، دویدن، قدم‌زدن در یک مسیر دایره‌ای شکل انسان را سریعاً خسته می‌کند، از این رو مسیر سه گوش و یا چهار گوش را انتخاب کنید.

روزشماری، نه تنها مهم است که می‌تواند به عنوان یک سرگرمی نیز حساب شود. انواع دیگر "وقت‌کشی"، کنجکاوای در رابطه با زندانبانان، دقت در جزئیات امور، خواندن سرود، ساختن اشکال از خمیر نان، تمیز کاری، و حتی کش‌دادن به کارهای روزانه مثلاً آهسته غذا خوردن و ... می‌باشد.

۸- از تهدیدات، داد و فریاد زندانبانان نترسید. این نشانه ضعف و احساس حقارت آنها می‌باشد.
۹- یکی از نیرنگ‌های زندانبانان این می‌باشد، گاهی اخبار نادرستی را بوسیله نیروهای درونی خود در زندان پخش کرده، تا واکنش زندانبانان را دیده، بر حسب آنها سرخ‌های جدیدی بدست آورده و یا روحیه یاس و ناامیدی را در زندانبانان ایجاد کنند. در نتیجه باید کاملاً هوشیار و مراقب باشید و عکس‌العمل محسوسی از خود نشان ندهید. گفته می‌شود، پس از ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ حتی برخی از روزنامه‌های سراسری را با اخبار جعلی چاپ و در زندان پخش کرده بودند.

۱۰- هر وقت زیر شکنجه قرار می‌گیرید، سعی کنید افکار خود را با لجاجت و تلقینات روانی، بر چیزهای دیگر متمرکز کنید. در اینصورت درد شکنجه را کمتر حس خواهید کرد. پس از آن نیز بدن شما خودش به اصطلاح "کرخت" شده، دیگر درد را احساس نخواهید کرد.

۱۱- هنگامی که چند تن از زندانبانان شما را احاطه کرده، زیر مشت و لگد قرار می‌دهند، سعی کنید نقاط آسیب‌پذیر را محافظت کنید. برای این منظور، نخست پاهای خود را بر روی شکم جمع کرده و سر خود را در حالیکه بسینه می‌چسبانید، با دست‌های خود بپوشانید. البته بهتر است پس از چند لحظه خود را به ضعف و اصطلاحاً "موش‌مردگی" بزنید. در این صورت حس درنده‌خوئی و مردم‌آزاری دژخیمان ارضاء شده، دست از شما بخواهند داشت.

۱۲- تا می‌توانید و جان در بدن دارید، پایداری کنید و مطمئن باشید، هر دقیقه از مقاومت شما در خسته‌کردن و تضعیف روحیه دشمن تأثیر فراوانی دارد. فشار و شکنجه دشمن تا زمانی ادامه دارد، که به شکستن نیروی اراده و گرفتن اعتراف از فعال زندانی امیدوار باشد.

۱۳- در زندان ممکن است مدتی طولانی در انفرادی بسر ببرید. باید خود را مشغول نگه دارید و نگذارید حس تنهائی و شکست بر شما غلبه کند. ورزش روزانه را حتماً در دستور کار قرار دهید. بعضی مواقع از طرف بازجو، ورزش کردن ممنوع می‌شود. و اگر ورزش کرده باشید، بازجو از بوی عرق بدن متوجه خواهد شد. برای رفع این مشکل، هنگامی که به دستشویی می‌روید، لباس ضخیم یا حوله با خود برده و آنرا خیس و مرطوب کنید. سپس در موقع ورزش (در سلول) مرتباً خود را با آن خنک و خشک کرده از بوی عرق بدن جلوگیری می‌شود. بدین وسیله به بازجو رودست زده و ورزش مخفی "لو" نمی‌رود. همچنین می‌توانید با جویدن باقی‌مانده نان، خمیر درست کنید. سپس با خمیر گلوله‌های کوچکی درست کرده و بگذارید تا خشک شود. بعداً با این گلوله‌های کوچک می‌توانید، شعر و مطالب و مسائل دیگر را در کف سلول نوشت و یا نقاشی کرد.

۱۴- اهمیت و لزوم امیدواری فعالین سیاسی نسبت به آینده مبارزه، بسیار مهم است، و در دوران زندان می‌تواند، شرایط طاقت‌فرسای زندان را برای زندانی، سهل و آسان کند. گفته می‌شود، یکی از مبارزین را هنگامی که برای اعدام می‌بردند، به هم بندان خود گفت: "هنوز در اندیشه فرار است و امیدوار، چون شاید تمام گلوله‌های مزدوران به خطا برود."